

پاسخ کوتاه یک "ناسیونالیست کرد" به

"حقیقت های تاریخی ضربدر ناسیونالیسم کرد" آقای ایرج فرزاد

کامران امین آوه

آقای ایرج فرزاد در نوشته ای تحت عنوان "حقیقت های تاریخی ضربدر ناسیونالیسم کرد، چند کلمه در باره نوشته آقای کامران امین آوه"، مطلب اینجانب تحت عنوان "زایشی نو" را دستاویزی برای تصفیه حساب های شخصی با به اصطلاح "ناسیونالیست های کرد ایران و عراق قرار داده، بدون آنکه عمده نوشته ایشان ربطی به مطلب اینجانب داشته باشد هر آنچه دل تنگشان خواسته برزبان آورده اند، و در نهایت به نتیجه گیری فاخرانه "به نمایش گذاشته شدن خصائل و مشخصات ناسیونالیسم عقب مانده و ... از سوی نگارنده این سطور رسیده اند.

امید میرفت ایشان برخلاف من که به گونه ای "غیر واقعی و غیر علمی" به تحلیل وقایع پرداخته ام، به شیوه ای مستدل و علمی به تجزیه و تحلیل جوهر و پیام "زایشی نو" بپردازند، ولی متأسفانه ایشان مانند بسیاری از رفقای از قافله عقب مانده شان طبق روال معمول، از میان کل مقاله، جمله ای بیرون کشیده، با سنجش به زعم خویش، دون کیشوت وار به جنگ دشمن خود ساخته میروند و با سر هم بافتن بافتن آسمان و ریسمان سرانجام فاتح از میدان جنگ بیرون می آیند.

با توجه به اینکه بخش عمده سخنان ایشان ربطی به نوشته من ندارد، کوتاه به چند نکته ای میپردازم که ممکن است تا حد نازلی ارزش پاسخگویی داشته باشد و مابقی را واگذار به آنهایی می کنم که میتوانند روی سخن آقای فرزاد با آنها باشد.

اما در آغاز نگاهی کوتاه به "زایشی نو" نشان میدهد که جوهر اصلی آن عبارت است از:

۱. دفاع از همه پرسی استقلال اقلیم کردستان براساس احترام و باور به اصل حق تعیین سرنوشت ملل تا حد جدایی.

۲. نگاهی به توطئه های آشکار و نهان دول همسایه و حکومت بغداد علیه اقلیم کردستان و هراس از گسترش این پدیده سیاسی به بخشهای دیگر کردستان در ترکیه و ایران.

۳. ارج و قدردانی، همچنین ابراز خوشحالی از همبستگی ملی کردهای ایران با اقلیم کردستان.

۴. پرداختن به هدف های توسعه طلبانه ایران و برنامه درازمدت شیعه های حاکم بغداد در مسیر ایجاد یک دولت توتالیتر سرکوبگر با اتکا به شبه نظامیان حشد شعبی.

۵. مقایسه اقلیم کردستان از ابعاد مختلف با دول همسایه از جمله ایران.

۶. انتقاد از همسویی بخش قابل توجهی از چپ‌های ایران با نیروهای راست ایرانی و ارتجاع منطقه در مقابله با مساله همه‌پرسی در اقلیم کردستان.

۷. ارج نهادن به همه‌پرسی استقلال کردستان که با اتکا به مردم کردستان و علیرغم توطئه‌ها و مخالفت آمریکا، انگلیس و دول همسایه و ... به انجام رسید.

ای کاش آقای فرزاد که گویا مسلط به اسلوب علمی برای تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی هستند روشن می‌ساختند که کدام یک از نکات این ناسیونالیست تکفیر شده که ناسیونالیسمش "هنوز در محدودیتهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوره اقتصاد فنودالی و اقتصاد طبیعی در گشت و گذار است" مغایر با اصول غیر ناسیونالیستی میباشد و "کرد" و ملت و قوم و عشیره کرد [را] مبدا و پایان تاریخ جهان" دانسته است.

اما از منظر اینجانب میتوان جوهر اصلی نوشته آقای ایرج فرزاد را چنین در نظر گرفت:

۱. تحریف یک واقعه تاریخی. ایشان عامدا سعی در نشان دادن عدم حضور خط جلال طالبانی بخوان اتحادیه میهنی در مساله همه‌پرسی اقلیم کردستان دارند. برخلاف ادعای ایشان مبنی بر "کاره‌ای نبودن" خط طالبانی؛ اتحادیه میهنی کردستان از آغاز تاکنون در جبهه دفاع از استقلال کردستان ایستاده، بر همگان روشن است که درایت و هوشیاری "کوسرت رسول" و "نجم‌الدین کریم" از سران اتحادیه میهنی کردستان در شب قبل از انتخابات در کرکوک، علیرغم توطئه‌ها و تهدیدات قاسم سلیمانی و عوامل وابسته به ایران نه تنها از یک فاجعه بزرگ و شروع جنگی ناخواسته در این منطقه جلوگیری کرد، بلکه زمینه‌ساز همه‌پرسی آرام فردای آن روز با شرکت اکثریت قابل توجه مردم این شهر در همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان شد.

۲. حمله به حزب دمکرات کردستان و خود را چون قهرمان واقعی و چپ سال‌های اول انقلاب در کردستان معرفی کردن! جالب توجه این که، آقای فرزاد و امثالهم که سالهاست صفوف کومه‌له را ترک کرده و خود را جزو نماینده‌گان راستین طبقه کارگر و چپ ایران میخوانند، با توجه به سرخوردگی سیاسی و عدم موفقیت‌هایشان در عرصه سیاسی ایران و کردستان، هنوز با اتکاء به مبارزه کومه‌له می‌خواهند خودی نشان داده و از مبارزات آن موقع کومه‌له برای حال خویش افتخارآفرینی کنند.

۳. در نقد این پاراگراف در "زایشی نو":

" این دوستان و بخصوص آنهایی که در زیر پوشش چپ دایه مهربانتر از مادر برای کردهای عراق شده‌اند، انگار فراموش کرده‌اند و یا بی‌خبر از آن هستند که سالهاست که کردهای اقلیم کردستان تنها نیروی راستین برای ایجاد کشوری فدرال و دمکراتیک بنام

عراق بوده‌اند، اما تلاش آنها با توجه به حاکمیت نیروهای مرتجعی که تا مغز استخوان وابسته به ایران هستند و در پی ایجاد حکومتی توتالیتر از نوع اسلامی ایران و نیروهای سرکوبگر شبه سپاه پاسداران در جامه حشد شعبی هستند عملاً به شکست منجر شده است.

ایشان آگاهانه و یا ناگاهانه سعی در تغییر نوک حمله از بغداد به اعضاء و فراکسیون‌های حکومت اقلیم داشته، با بیان این جمله

اولاً: "نیروهائی که تا مغز استخوان وابسته به جمهوری اسلامی هستند"، از اعضاء و فراکسیونهای حکومت "اقلیم" اند.

عملاً به دفاع از بغداد و حمله به نیروهایی خود ساخته در حکومت اقلیم پرداخته است. احتمالاً ایشان فراموش کرده‌اند که این نیروها و فراکسیون‌های وابسته به ایران در حکومت اقلیم کردستان عملاً در مقابل تهران ایستاده، با دهن کجی به خواست‌های حکومت اسلامی و با اتکاء به مردم کرد تا آخرین لحظه در دفاع از همه‌پرسی برآمدند. امری که در ملاقات رهبری ولایت فقیه با اردوغان چون خیانتی بزرگ به کل منطقه قلمداد شد.

واقعا آقای فرزاد در کجای دنیا ایستاده و جهان را از نگاه تنگ نظرانه و خود ساخته چه کسانی میبیند. با توجه به تحولات بزرگی که در چندین دهه گذشته در عرصه‌های مختلف روی داده، مدتهاست وقت آن رسیده که آقای ایرج فرزاد کمی بیشتر از تجارب این سال‌ها بیاموزند، شعور و آگاهی سیاسی خوانندگان را به سخره نگرفته و دست از برچسب زدن و اتهامات واهی بردارند. در عرصه پلمیک سیاسی مدتهاست که دیگر شعار و فحاشی خریداری ندارد.